

گزارش «فرهیختگان» از قطع ۲ برنامه رادیویی «سینمامعیار» و «سینماچی»

صدای سینما هم قطع شد



عاطفه جعفری

خبرنگار گروه فرهنگ

این چندروز، خبر تعطیلی دوبرنامه سینمایی در رادیورا شنیدیم. به یک تیم علتش را گفتند، اما یکی دیگر را یک روز مانده به پخش گفتند قرار نیست دیگر این برنامه پخش نشود. برنامه‌هایی که هر کدام مخاطبان خودش را داشت و می توانست چند ساعتی درمورد سینما و حواشی‌ای که پیرامون آن وجود دارد، صحبت کند و مخاطبان خودشان را در جریان آخرین اتفاقات این حوزه قرار دهند. سال گذشته بود که با نزدیک شدن به جشنواره فیلم فجر از لزوم و مهم بودن برنامه‌های سینمایی گفتیم که نمودن‌شان می تواند خسارت بار باشد.

تلویزیون مخصوصا در یک سال اخیر، دست خودش را برای جریان سازی در موضوعات روز سینمای ایران کوتاه کرده است. آن هم سینمایی که در شرایط امروز اجتماع ایران، فقط محدود به نمایش چند فیلم در سالن‌های سینمایی نیست و گستره حضور و اثرگذاری آن وسیع تر از دهه‌های قبل است. سینمای ایران و جریان و آدم‌هایی که در دل آن فعال هستند، نقش مهم و کلیدی در انواع تولیدات نمایشی دارند؛ حال این تولید در شبکه نمایش خانگی باشد یا حتی سریال‌های تلویزیونی. ضمنا چه خوش‌مان بیاید و چه نه، چه درست باشد و چه غلط، نمی‌توان منکر این شد که برخی جریان‌های فعال سینمای ایران حتی در کنش‌های اجتماعی و سیاسی امروز ایران موثر و فعال هستند. این نقش هر روز برای سینمایی‌ها بیشتر هم می‌شود اما این وسط جایگاه رسانه ملی کجاست. همان که گفتیم، دستش کوتاه شده است. سینما برای مدیران صداوسیما در حد پوشش خبری یک رویداد فرهنگی تقلیل یافته است.

استمرار «سینما معیار»: رمز موفقیتش

برنامه «سینما معیار» از آن برنامه‌های سینمایی بود که استمرارش در کیفیت برنامه اثرگذار بود و توانسته بود در این حوزه کارهای تاثیرگذاری را انجام دهد. این برنامه از سال ۱۳۹۲، کارش را شروع کرد. امیرعباس صباغ، مجری و سردبیر این برنامه بود و ابتدا به‌عنوان کارشناس -منتقد در این برنامه حضور داشت، در سال ۹۵ با پیشنهاد تهیه کننده، سردبیری به‌عهده او گذاشته شد.

او درمورد این برنامه و کارهایی که در آن انجام گرفته است در گفت‌وگویی که با او داشتیم، می‌گوید: «یکی از ویژگی‌های سینما معیار، استمرار این برنامه بود. اینکه هیچ‌هفته‌ای ماتعطیلی نداشتیم.مگر اینکه‌مناسبت‌های مذهبی‌خاص مثلاًعاشورا و تاسوعا و روز پنجشنبه بود و برنامه ما پخش نمی‌شد. وگرنه یک استمراری داشتیم که این نقطه قوتی بود، چون هیچ برنامه دیگری نبود. برنامه را موضوع محور کردیم. گاهی برنامه‌هایی بود که نقد و بررسی بوده و به چند فیلم می‌پرداختیم که در حال نمایش بودند. بحث مدیریت سینمایی را از زوایای مختلف مدنظر قرار دادیم و در مجموعه‌برنامه‌هایی بازخوانی تاریخ‌سینمای ایران‌اداشتیم،تصمیم‌گیری‌هایی که اوایل انقلاب، دهه ۶۰، دهه ۷۰ و دهه ۸۰ مدیران داشتند آسیب‌شناسی کردیم که یک‌دام‌به‌ضرر سینما بود، کدام تصمیمات به‌سینما کمک کرد،بحث‌های صنفی را مطرح کردیم، اختلاف تهیه‌کننده‌ها، اختلاف صنف با همدیگر، مشکلاتی که در خانه سینما بود و هر چه جلوتر آمدیم سعی کردیم تاثیرگذاری را بیشتر کنیم.»

با محدودیت‌های سازمان موضوعات را دنبال کردیم

او از موضوعات حساسی صحبت می‌کند که در این برنامه به سرافش رفتند و می‌گوید: «در مواردی سریع موضوعاتی رقیم که شاید با توجه به محدودیت‌هایی که در صداوسیما است خیلی نمی‌شد به‌سخت آن‌رفت. من برنامه جدی راندیدم که درباره جنبش می‌تو و بحث‌هایی که از ابتدای سال گذشته پیش آمد داشته باشیم،ولی در سینما معیار در سه برنامه کامل به موضوع پرداختیم، یعنی هم موافق و هم مخالف صحبت کردند که یک مناظره خیلی خوبی بین آقای فرح‌بخش و دانش اقباشاوی برگزار کردیم و این برنامه‌پرازخوردی شد و تقریبا همه رسانه‌ها درباره آن صحبت کردند. بحث نقد مدیریت فعلی سینمایی که متاسفانه برخلاف چیزی که به‌نظر می‌رسید نتوانستند توقعات را برآورده کنند و از همان جشنواره که ما در دوره چهارم داشتیم و اتفاق عجیبی که منجر به حذف سیمرخ مردمی شد در سینما معیار خیلی به این موضوع اعتراض کردیم. به‌یاد دارم آن زمان تلویزیون دوبرنامه سینمایی داشت، بستگی به صلاحدید مدیران کاملا همسوبا مدیران جشنواره بود و خیلی از تصمیمات و این شکل مدیریت در آن دوبرنامه حمایت می‌شد، ولی ما این را نقد جدی کردیم. همواره در برنامه‌های خود بیان کردیم جشنواره فجر شبیه هیچ جشنواره‌ای در کل دنیا نیست و خیلی درباره این صحبت کردیم که مهم‌ترین جایزه‌ای که فیلم فجر دارد جایزه سیمرخ بهترین فیلم از نگاه مردم است. متاسفانه با یک تصمیم غلط دوستان این سیمرخ را حذف کردند و سال پیش هم دیدیم این اتفاق نیفتاد.»

مدیری که برای پاسخ به سوالات نیامد!

در این روزها که می‌بینیم فیلم‌ها قاچاق می‌شوند، برنامه سینما معیار درمورد همین موضوع چند برنامه را پخش کرد و صباغ درباره‌ای این‌می‌گوید: «درباره فیلم برداران لیلیا فکر می‌کنم تنها رسانه‌ای بودیم که به‌طور جامع به فیلم پرداختیم، یعنی هم نظرات تهیه‌کننده فیلم را داشتیم، آقای نوروزی یکی را داخل استودیو آوردیم و رویه‌روی ایشان منتقدی بود که مخالف فیلم بود. بحث‌ها خیلی خوب مطرح شد و نظرات بیان شد. و خیلی تلاش کردم یکی از مدیران سازمان سینمایی هم حضور داشته باشد. با یک مدیر عزیزی که جایگاه خوب و بالایی داشت تماس گرفتم و گفتند من نمی‌آیم و گفتم اگر شما تشریف نمی‌آورید حداقل یک نفر را معرفی کنید که نماینده‌ای از سازمان سینمایی در برنامه باشد که نگاه و دیدگاه خود را بیان کند چون بحث مهمی بود. پاسخ خیلی جالبی شنیدم، بعد از یک روز با پاسخ ایشان این بود که چون این فیلم مورد تایید ما نیست و چون غیرقانونی آمده است آن را به‌رسمیت نمی‌شناسیم که بخواهیم درباره آن صحبت کنیم.»

یک روز مانده به پخش، گفتند برنامه را دیگر نداریم

صباغ یکی دیگر از موضوعات برنامه سینما معیار را پرداختن به سینمای اجتماعی با توجه به اتفاقات یک سال اخیر می‌داند و می‌گوید: «بحث اتفاقاتی که سال گذشته افتاد در یک مقطعی نمی‌دانستیم باید چه کاری در این فضای ملتهب کرد. تصمیم گرفتیم درباره سینمای اجتماعی صحبت کنیم. در مجموعه برنامه‌هایی این‌را بحث کردیم که فکر می‌کنم ۷-۸ برنامه بحث سینمای اجتماعی در محور بحث در سینما معیار قرار گرفت و افراد مختلف با سلاطخ مختلف از بازیگر، کارگردان، تهیه‌کننده، مدیر سینمایی و... به برنامه آمدند و درباره اینکه با اتفاقاتی که افتاده آینده سینمای اجتماعی چه می‌شود، چه کار باید کرد، چطور سینمای توان‌درومی جامعه اثر داشته باشد، صحبت کردیم. خیلی ناگهانی با توجه به اینکه هفته گذشته برنامه داشتیم و به موضوع روز پرداختیم، این هفته در فاصله یک روز مانده به پخش برنامه متوجه شدیم قرار نیست سینما معیار پخش شود.»

برنامه در رادیو و تلویزیون ساخته می‌شود تا از تصمیمات مدیران حمایت کند

سردبیر برنامه سینما معیار درباره برنامه‌هایی که بدون هدف در سازمان در حوزه سینما ساخته می‌شوند، می‌گوید: «برنامه‌هایی در لحظه ساخته می‌شوند، مدتی فعالیت می‌کنند و دوباره تعطیل می‌شوند و چند وقت دیگر با اسم دیگر و با ترکیب دیگری روی آنتن می‌آیند، این جنس برنامه‌سازی یا از آن طرف برنامه‌هایی که با اهدافی نظیر حمایت روی آنتن می‌آید تا از یک‌سرسی تصمیمات حمایت کند، کمکی که شاید منطقی در آن نباشد. یک جنس برنامه داریم که فقط با همین نگاه تولید می‌شوند و عملا تریبون برای یک نهاد، فرد و یک‌سری افراد است که فقط بیایند و کارهای خود را بیان کنند و به‌صورت یک‌طرفه صحبت کنند، مورد پرسش نباشند، بازخواستی بابت تصمیماتی که گرفتند نشوند. این جنس برنامه‌سازی متاسفانه تعداد قابل توجهی است و شاهد هستیم چقدر برنامه‌های اینچنینی پخش می‌شود، مهم‌تر اینکه اینها تاثیری ندارند. می‌آیند و می‌روند و هیچ اتفاقی نمی‌افتد. برنامه‌ها باید با کیفیت ساخته شود و در کنار این جهتی داشته باشد. ما تلاش می‌کردیم به موضوعاتی که مهم است بپردازیم. ما این را اعلام می‌کنیم، تخلفی که صورت گرفته را اعلام می‌کنیم، یک هفته گذشت و هیچ اتفاقی نیفتاد، آب از آب تکان نخورد! اگر تعداد برنامه‌های اینچنینی زیاد باشد من فکر می‌کنم خیلی از تصمیمات را دوستان نمی‌توانند اینقدر راحت بگیرند و یک اصطلاح بدی است که می‌گویند مردم ما حافظه کوتاه‌مدت بدی دارند و خیلی راحت فراموش می‌کنند و خیلی راحت آن مساله گذشت.»

تعطیل کردن برنامه‌ای که دنبال حاشیه نبود

اودرباره تعطیل شدن کامل برنامه سینما معیار می‌گوید: «آن چیزی که به ما گفتند دو روایت است، روایت رسمی این است که ما همراه برنامه تعطیل است و بعد از آن تصمیم‌گیری درباره آن می‌شود، ولی آن چیزی که از دوستان خبرنگار شنیدم و کسانی که در جریان کم و کیف کار هستند گویا سینما معیار تعطیل شده و تیم جدیدی هم کار خود را برای ساخت برنامه جایگزین شروع کرده و برای من جالب بود که حتی اگر قرار بود برنامه دیگری تهیه شود، سینما معیار یک برندی بود که اعتماد مخاطب را داشت، کسی که کار رسانه کرده می‌داند چقدر سخت است که شما در فضایی که انبوه فضاهای رنگارنگ و فیک و معتبر کار می‌کنند،

اعتماد مخاطب را داشته باشید. ما به دنبال مسائل پوچ و حاشیه‌ای نبودیم و آبرو و اعتباری را برای خود در این برنامه ساخته بودیم و مخاطب به ما اعتماد داشت.»

دوستان سازمان توضیح دهند، رویکرد ما چه اشکالی داشت؟

بخش قابل توجهی از اهالی سینما در هر موقعی که می‌شد ابراز لطف می‌کردند و به برنامه لطف داشتند؛ از مرحوم خسرو امیرصادقی یاد کنم که چند هفته پیش او را از دست دادیم، ایشان یکی از کسانی بود که پیگیرکننده همیشگی برنامه بود و هر هفته تماس می‌گرفت که اینجادرباره این موضوع هم صحبت کنید. در این فضای به‌این‌سختی که شما یک برندی را ساختید اگر کار قرار است برنامه دیگری را به‌هر ملاحظه‌ای که ما نمی‌دانیم، می‌توانستید یک برنامه دیگر هم بیآورید؛ چه نیازی به تعطیل شدن برنامه سینما معیار بود؟ این مساله است یعنی جایی که قدر داشته‌های خود را نمی‌دانیم، برندی که برای آن زحمت کشیده شده و برنامه رادیویی‌ای که از بسیاری از برنامه‌های تلویزیونی هم در هفته‌های خاص بازخورد بیشتری داشت چرا باید تعطیل شود و این سوال مهم و کلیدی است. من کسی هستم که از زیاد شدن برنامه‌های سینمایی، رسانه‌های سینمایی ونشریات سینمایی واقعا استقبال می‌کنم. از این دوره فعلی که بگذریم بحث نشریات نوشتاری با یک افولی مواجه شدند و خیلی مردم سراغ رسانه‌های کاغذی نمی‌روند، من از زمانی که علاقه‌مند به سینما و رسانه شدم، همیشه دوست داشتم هر آنچه درباره موضوع موردعلاقام بود استقبال شدید می‌کردم و از تکثر رسانه‌ها که آن زمان نشریات کاغذی بود، استقبال می‌کردم. الان هم‌مشکلی نداریم و استقبال می‌کنیم برنامه‌های بیشتری باشد ولی اینکه چرا باید سینما معیار تعطیل شده و برنامه دیگری جایگزین شود یا حتی اگر دوستان تمایل داشته باشند جابه‌جا کنند، یعنی تیم جدیدی را بیآورند و با اسم همان سینما معیار ادامه دهند. این سوال پیش می‌آید که رویکرد ما اشکالی داشته است؟ در کنار برنامه‌هایی که رقیم و همه موجود است چرا باید تغییر پیدا کند؟ طبیعتا می‌خواهید یک مسیر ورش را تغییر دهید که سوال اصلی آنجاست، چه با تغییر یا با تعطیل کردن و بالا آوردن برنامه جدید و آن طور که دوستان گفتند و کسانی که دست‌شان بر آن است می‌گویند برنامه جدیدی طراحی می‌شود و فکر می‌کنم از مهرماه قرار است این برنامه پخش شود.»

او همچنین درمورد تذکرهایی که درباره این برنامه در زمان پخش گرفته‌اند، می‌گوید: «تا جایی که من در جریان هستم بحثی که درباره جشنواره فیلم فجر و بحث سیمرخ مردمی و بعد اکران نوروز داشتیم حاشیه‌هایی داشت. درمورد فیلم «لامینور» مهرجویی هم حاشیه‌هایی داشتیم و از عدم مدیریت دوستان در وزارت ارشاد ناشی می‌شد، ما درباره این هم صحبت کردیم. آن زمان به بحث جشنواره کن و حواشی آن هم رسید و همان زمان یک اتفاقی افتاد که سازمان سینمایی از رویه برنامه راضی نیستند و نامه‌ای به معاونت صدا نوشته شد که هم با اسم برنامه و هم با اسم من که اجرا و سردبیری برنامه را داشتم، یک‌سری گلانه‌ها شد. بعد از آن اتفاقی که امسال داشتیم آن‌طور که من شنیدم برنامه‌ای که درباره «برادران لیلیا» صحبت کردیم حساسیت برانگیز شد.»

دوری گزیدن سینما و تلویزیون از هم خوب نیست

برنامه «سینماچی» یکی دیگر از برنامه‌های رادیویی است که در حوزه سینما فعالیت می‌کرد و آن هم حدود یک ماه ونیم است که خبری از پخشش نیست، برنامه



از شهریور ۱۴۰۰ شروع شده است و هرچند یک‌ماه‌ونیم قبل روابط‌عمومی رادیو جوان در بیانیه‌ای اعلام کرد پخش برنامه دارد، ولی نزدیک به یک‌ماه‌ونیم است که برنامه متوقف شده و سازندگان برنامه هم علت توقف آن را نمی‌دانند، علی‌مراذخانی درمورد این برنامه و علت توقف در گفت‌وگو با «فرهیختگان» می‌گوید: «باید بگویم از تعطیل یا کم فروغ شدن برنامه‌های سینمایی رادیو و تلویزیون به‌شخصه ناراحت هستم. تعطیل شدن برنامه‌هایی مانند سینما معیار و اتفاقاتی که برای برنامه هفت افتاد کمکی به سینما نخواهد کرد؛ چرا که رویکرد فعالانه و مواضع پیشرو برنامه‌های سینمایی می‌تواند هم به شناخت بهتر و ذائقه‌سازی مخاطبان کمک کند و هم مسیر نقدش در میان اهالی سینما نقش آفرین باشد. یک مثال بزیم، ما برای تولید ویژه برنامه سینماچی در روزهای اغتشاشات سال گذشته روزهای سختی را گذراندیم. اذیت شدیم برای اینکه سعی می‌کردیم برنامه‌ای روی آنتن ببریم که بتواند حرف پیش‌برنده بزند. و انصافا با حمایتی که مدیران شبکه جوان کردند، در روزهایی که خیلی‌ها تمایل به حرف زدن نداشتند و خیلی از رسانه‌های سینمایی هم سعی می‌کردند بایکوت کنند، حرف‌های ما شنیده می‌شد؛ همان‌طور که سینما معیار هم کارکرد خاص خودش را داشت و تاثیرگذار بود، برنامه هفت در سال‌های اوچش جریان سازی می‌کرد. این برنامه‌ها جریان ساز بودند، کارکرد داشتند و می‌توانستند موثر باشند. نمی‌دانم چرا برخی گمان می‌کنند دوری گزیدن سینما و صداوسیما اتفاقی است که می‌تواند به این محیط کمک کند یا تاثیر مثبتی داشته باشد درحالی که این‌طور نیست. تجربه نشان داده تولید برنامه‌های سینمایی با اتخاذ موضع درست می‌تواند به سینما کمک کند، ما هم با تمام محدودیت‌هایی که وجود داشت تمام تلاش خود را کردیم، و امیدوارم موفق بوده باشیم.»

چرا باید درباره سینما در تلویزیون حرف بزئیم

مراذخانی در ادامه درباره ملزومات رسانه صحبت می‌کند و می‌گوید: «رسانه وقتی نگاه‌های مختلف را بتواند روایت کند و از منظرهای مختلف به مسائل نگاه کند، می‌تواند ایرادات جدی را بفهمد و راهبردها و کلان موضوعاتی که در ماجرا وجود دارد را متوجه شود. یعنی می‌تواند به اصلاح نا کارآمدی‌ها و ایرادات کمک کند.

مگر سینمای ایران سینمای ۱۰۰ درصد سالمی است؟ حتما این‌طور نیست و نیاز به اصلاح دارد و نیاز است در برخی مسائل به صورت جدی اصلاح شود ولی یک‌جا باید باشد که درباره این موضوعات حرف بزند. ما الان این را نداریم، چند سال قبل محیط خیلی پرفروغ‌تر و پویاتر بود و راستش دل ما برای آن روزها تنگ شده. مثلا حوالی سال ۹۵ روزنامه صبا، روزنامه سینما، کافه سینما، برنامه هفت و چندین رسانه مجازی جدی در این فضا وجود داشت و چهار برنامه رادیویی و تلویزیونی خوب داشتیم و کار می‌کردند. اما الان به خود می‌آییم و می‌بینیم تقریبا همه اینها تعطیل یا کم‌رغق شده‌اند. تعطیل شدن اینها برای کسی فایده‌ای دارد؟ چه کمکی به سینما می‌کند؟ الان چه دوست داشته باشیم و چه دوست نداشته باشیم، فیلم سینمایی فسیل یکی از فیلم‌های تاریخ‌ساز کشور شده است. فیلم سینمایی تفریق و برداران لیلیا با مدل اکران قاچاق راهی را انتخاب کردند که پیش از این در تاریخ سینمای ایران سابقه نداشته است. درباره اینها نباید حرف زد؟ اینها مهم نیست؟ سینمای ما این میزان بی‌تاثیر است؟ یکی از هنرهای مهم کشور است و اصلا درباره این حرف نمی‌زنیم. این لزوما تنها به صداوسیما بر نمی‌گردد بلکه بخشی متوجه صداوسیماست. مثلاً آن مسئولی که صبح تا شب دارد با این و آن نامه‌نگاری می‌کند که فلاخی چون از ما انتقاد کرده صبح حتما ارتباط با بیگانگان دارد هم بخشی مهمی از این پازل است.»

باید انتقاد کنیم

او در توضیح موضوعات برنامه می‌گوید: «ما در سینماچی تلاش کردیم حرف حساب بزئیم و در روزهایی که همه در پاییز ۱۴۰۱ قفل کرده بودند، تلاش کردیم حرف درستی بزئیم که هم موضع منطقی بر منظومه جمهوری اسلامی، باشد و هم به درد مردم و سینما بخورد. یعنی در میزاسنن، قاب و منظر جمهوری اسلامی که رسانه ملی است.

من اولین مجری‌ای بودم که بعد از اغتشاشات تویبت زدم که تا عمر داشته باشم با رسانه ملی کار می‌کنم. هنوز هم پای این حرف هستم. صادقانه این است که از توقف سینماچی ناراحتم، ولی من اعتقاد خود را به انقلاب اسلامی و مسائلی از این دست، از داشتن یا نداشتن یک برنامه نمی‌گیرم که الان بخواهم رست طلبکار بگیرم و بگویم منت من را یکشید که چنین اتفاقی بیفتد. من اهل این بازی نیستم. ولی صادقانه این است که سینماچی مثل فرزند من بود و یک سال ونیم با تمام محدودیت‌ها تلاش کردیم که یک برزند معتبر شکل گیرد. تلاش کردیم و کلی مشکلات را به جان خریدیم.

رسانه ملی برای ما مهم است، رسانه ملی سرمایه بی‌بدیل و بی‌نظیر رسانه‌ای کشور است و اگر نقدی هم درباره عملکرد صداوسیما مطرح می‌شود از سر دلسوزی است. به‌رحال نمی‌توانیم منکر وجود نا کارآمدی و ایراد باشیم. گل بی‌خار خداست. حتما همه ما ایراداتی در کار داریم کما اینکه من هم حتما ایراداتی داشتم ولی اینکه کلا نخواهیم انتقادی در این فضا کنیم، درست نیست. اگر من فرزند رسانه ملی در رسانه مملکت خودم نتوانم درباره این موضوعات صحبت کنم، محور این روایت‌ها و انتقادها از ایران خارج می‌شود. ابتکار عمل به دست رسانه‌هایی می‌افتد که هیچ دلسوزی برای ما و مملکت و مردم‌مان ندارند. ما اگر نقدی می‌کنیم در رسانه خودمان و خانه خودمان نقد می‌کنیم. بچه‌های این مملکت هستیم، برای دلسوزی و از صمیم جان حرف می‌زنیم چون دوست داریم بلندتر و مترقی‌تر و بهتر شویم. اگر حرف زده نشود کم‌کم محور این اتفاقات به رسانه‌های معاندی می‌نشیند که هیچ دلسوزی برای مملکت ندارند و این اتفاق خوبی نیست.»

حتما وجود برنامه‌های سینمایی برای تلویزیون ضروری است، به قول محمدتقی فهمیم، منتقد حوزه سینما، که می‌گوید: «مهم‌تر از بحث پروپاگاندا و تبلیغ سینما، موضوع تاثیر بر افزایش سطح تکنیک و فرمی سینمای ایران است، که مهم است. در کشورمان اکران خارجی نداریم و می‌توان گفت کل میدان دست فیلمسازان داخلی است. در چنین وضعیتی اگر نقد جدی نباشد و اگر برنامه سینمایی نباشد که کارهای فیلمسازان را عیارسنجی کند، به‌تدریج جریان فیلمسازی دچار افت خواهد شد.»